

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زکات

دوره، ہفتم، شمارہ دہم

دوره هفتم، شماره دهم / ۳

نام جزوه: خمس

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه درراه حق

ناشر: موسسه درراه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه درراه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ۵.....زکات
- ۶.....وجوب زکات
- ۱۰.....اهمیت زکات
- ۱۳.....شرایط وجوب زکات
- ۱۴.....مصادیق معنوی زکات
- ۱۸.....زکات در ترازوی عقل
- ۱۹.....فواید پرداخت زکات
- ۲۲.....فواید معنوی زکات

زکات

اسلام در برنامه‌های خود، علاوه بر این که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه کرده، مسأله اجتماع و مسوؤلیت فرد در قبال آن را نیز در نظر گرفته است؛ و با این که معنویت را اصل قرار داده، مسائل مادی را نیز به عنوان عامل رشد و تکامل، مطرح و بشر را به سوی آن راهنمایی کرده است.

از جمله مسائل مهمّ مورد توجه اسلام. رفع مشکلات و احتیاجات فردی و اجتماعی مردم است؛ و در میان مشکلات، بزرگ‌ترین مشکل، مسأله «فقر» است که خداوند متعال، خمس و زکات را به عنوان

پشتوانه‌ای مادی، جهت رفع فقر در مرحله اوّل و رفع نابسامانی‌های دیگر در مرحله بعدی مطرح می‌کند.

وجوب زکات

وجوب زکات از ضروریّات دین بوده و منکر آن در صورتی علم به ضرورت آن داشته باشد، کافر است.^۱

از آیات ذیل به خوبی وجوب زکاب استفاده

می‌شود: «...واتوا الزّکوّة و ما تقدّموا لأنفسکم من

خیر تجدوه عندالله انّ الله بما تعملون بصیر».^۲

«... و زکات بدهید و بدانید که آن چه برای خود

می‌فرستید در نزد خدا خواهید یافت که همانا خداوند

در معجم الوسیط آمده است: «(الزّکوّة) البرکة و

۱. مهذب الأحكام؛ جلد ۱۱، صفحه ۷.

۲. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۱۰.

دوره هفتم، شماره دهم / ۷

النَّماء و الطهارة و الصَّلاح و...» و در مجمع البحرین است: «... أَلزَّكوة... اَمَّا مصدر «زکاء اِذانمی... و تَفید النَّفس فضیلة الكرم و اَمَّا مصدر «زکا» اِذَا طَهَرَ لِأَنَّهَا تَطْهَرُ الْمَالُ مِنَ الْخَبْثِ و النَّفْسُ الْخَيْلَةُ مِنَ الْبَخْلِ... فزکة المال طهر للمال و زکاة الفطرة طهر للأبدان».

به هر کاری که می کنید آگاه است».

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱.

«ای پیامبر! از اموالشان زکات بگیر تا بدین وسیله پاکشان کنی و (اموالشان را) نموّ دهی و

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۰۳.

درباره آنان دعای خیر کنی که دعای تو مایه آرامش آنان است و خدا شنوا و دانا است».

علامه بزرگوار، آیت الله طباطبایی می فرماید:

«این که فرمود «مِنْ أَمْوَالِهِمْ» اشاره دارد به این

که صدقه از انواع و اصنافی از اموال گرفته

می شود. [نقدینه (طلا و نقره) - انعام ثلاثه (شتر، گاو

و گوسفند) - غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما و

کشمش)].

آنگاه که آیه «خُذْمِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» در ماه

رمضان نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به

منادی امر فرمود در میان مردم ندا دهد و اعلام نماید

دوره هفتم، شماره دهم / ۹

که خداوند تبارک و تعالی زکات را بر شما واجب نمود، آن چنان که نماز را بر شما واجب فرمود...^۱.

معنای لغوی و اصطلاحی زکات

زکات در لغت به معنای «طهارت»، «اصلاح»، «نمو» و «زیادتی» است^۲؛ و در فقه اسلام و عرف شرع، زکات به تناسب معنای لغوی، بر حق معروف و معینی اطلاق می شود؛ و آن (یک دهم) یا (یک بیستم) و یا غیر آن ها از نصاب های زکات است که در اموال زکوی مانند غلات و... تعیین شده است؛ تا موجب طهارت، اصلاح، نمو و حفظ نفس و مال شود.

۱. جامع الأحادیث، ج ۸، شماره ۱.

۲. مصباح اللغة، ص ۱۱۷ و مفردات راغب، ص ۲۱۳.

اهمیت زکات

در قرآن مجید، زکات، قرین نماز - که بالاترین عبادت و ستون دین است - واقع شده و در ۲۶ مورد که از نماز نام آورده است، در کنار آن‌ها به پرداخت زکات نیز سفارش شده است. امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) می‌فرمایند: «فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ»!

«خداوند زکات را همراه نماز واجب نمود».

هم‌چنین در روایات دیگر آمده است که «شرط

قبولی نماز، پرداخت زکات است»؛ مانند:

دوره هفتم، شماره دهم / ۱۱

امام علی (علیه السلام) فرمود: «لَا تُقْبَلُ الصَّلَاةُ
مِمَّنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ»^۱ «کسی که از پرداخت زکات امتناع
ورزد، نماز (او) پذیرفته نمی‌شود».

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در یک روز
پنج نفر را به جرم این‌که زکات نمی‌پرداختند از
مسجد بیرون کردند؛ «أُخْرِجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لِأَتَصَلُّوا
فِيهِ وَ أَنْتُمْ لَا تُزَكُّونَ»^۲.

محمد بن مسلم می‌گوید: «از امام باقر
(علیه السلام) در مورد آیه شریفه «سَيَطُوقُونَ مَا بَخِلُوا
بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ سؤال کردم؛ فرمود:

۱. جامع الاحادیث، ج ۸، ش ۸.

۲. جامع الاحادیث، ج ۸، ش ۱۲.

۳. آل عمران، آیه ۱۷۹.

«کسی از پرداخت چیزی از زکات امتناع نمی‌ورزد، مگر آن‌که خداوند در روز قیامت، آن را به شکل ازدهایی از آتش درآورده به گردنش می‌اندازد که مرتب گوشت او را به دندان گرفته و می‌گزد تا آن‌که از حساب فارغ شود. این معنای همان قول خداوند - عزوجل - است که فرمود: زود باشد، آنچه بدان بخل ورزند؛ در روز قیامت به گردن آنان آویخته شود. یعنی آنچه از زکات بدان بخل ورزیده‌اید»^۱.

شاید یکی از بارزترین، مصادیق اقامه قسط، همین زکات است که اسلام مانعین زکات را مستوجب عقوبت سختی می‌داند.

دوره هفتم، شماره دهم / ۱۳

شرایط وجوب زکات

کسی که زکات می‌پردازد، باید دارای شرایطی باشد از قبیل:

- ۱ - بالغ باشد؛ پس کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده است؛ پرداخت زکات بر او واجب نیست.
- ۲ - عاقل باشد. پس در مال دیوانه در تمام سال زکات نیست.
- ۳ - آزاد باشد. پس بر عبد (بنده یا برده کسی) زکات نیست.
- ۴ - مالک باشد. پس چیزهایی که به انسان بخشیده شده؛ و یا قرضی که انسان از کسی طلب دارد؛ قبل از وصول آن زکات ندارد. چیزی که انسان،

در تحت تملک خویش دارد، زکات بر آن واجب است.

۵ - تمکن از تصرف داشته باشد.

۶ - به حدّ نصاب برسد.^۱ (که بعداً توضیح داده خواهد شد).

مصادیق معنوی زکات

از گفتار ائمه (علیهم السلام) چنین استفاده می شود که زکات مصادیق دیگری نیز دارد که از آن ها به عنوان «زکات در امر معنوی» تعبیر می شود. همان گونه که پرداخت زکات اموال، سبب پاکی اموال و به لحاظ

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۲، کتاب الزکاة.

دوره هفتم، شماره دهم / ۱۵

انجام فرمان خدا موجب تزکیه نفس و اصلاح آن می‌شود، ادای زکات در امور معنوی نیز، چنین است.

امام علی (علیه‌السلام) فرمود:

«زکوة العلم بذله لمُستحقّه و اجتهاد النفسِ

بالعملِ به زکات علم، بخشش و آموختن آن است به کسی که سزاوار آن است (به مستحقّش) و نفس را در عمل به آن به تلاش واداشتن^۱.

و نیز فرمود:

- «زکوة العلم نشره؛ زکات دانش، نشر و

پخش آن است»^۲.

۱. غررالحکم، فصل سی و هشتم، ص ۴۹۴ و ۴۲۵.

۲. غررالحکم، فصل سی و هشتم، ص ۴۹۴ و ۴۲۵.

- «زکوة القُدرةِ الانصاف؛ و زکوة السُّلطانِ اعانة الملهوف؛ زکات قدرت، انصاف است و زکات حاکم، یاری مظلوم و بی پناه»^۱.

- «زکوة الجمال العفاف؛ زکات زیبایی، عفت و پاک دامنی است»^۲.

- «زکوة الظَّفَر الاحسان؛ زکات پیروزی، خوبی کردن است»^۳.

- «زکوة الشَّجاعةِ الجهاد فی سبیل الله؛ زکات شجاعت، تلاش و نبرد در راه خدا است»^۴.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

دوره هفتم، شماره دهم / ۱۷

- «زَكَاةُ الصَّحَّةِ السَّعْيِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ زَكَات

تندرستی، کوشش در اطاعت خدا است»^۱.

روایات فراوانی در این باب وجود دارد که در

این مختصر نمی‌گنجد.

به هر حال پرداخت زکات در هر یک از

نعمت‌ها- که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته

است- متناسب با همان نوع خاص از نعمت است؛ و

در همه مصادیق زکات، رشد و نموّ ایمان، تقوا،

تهذیب و اصلاح نفس و... ساری و جاری می‌باشد

که تناسب با معنای لغوی آن دارد.

زکات در ترازوی عقل

بدون تردید، وجود و لزوم حکومت، متکی به براهین و استدلالات عقلی بوده و سیره عقلای عالم از ابتدای پیدایش اجتماع تاکنون بر این پایه قرار گرفته است؛ از طرف دیگر، نیاز حکومت به بنیه مالی و توان اقتصادی جهت کارهای عمرانی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و... از ضروریات و بدیهیات عقلی است و دولت‌ها در قبال خدمت به مردم جامعه خود، از توانمندان جامعه کمک می‌گیرند؛ اسلام نیز - که دین زندگی است - بر اساس سنت و قانون متقن عقلی و برای ایجاد یک جامعه سالم، از افراد تحت حمایت خویش کمک می‌گیرد؛ مسلمانان و معتقدین به دین اسلام، با پرداخت خمس و زکات و غیر مسلمین -

دوره هفتم، شماره دهم / ۱۹

که تحت حمایت حکومت اسلامی قرار دارند - با پرداخت جزیه (مالیات سرانه) و خراج (مالیات ملکی) و مقاسمه (نوعی مالیات ملکی) پشتوانه اقتصادی حکومت را مستحکم کرده و بدین وسیله از آن حمایت می نمایند.

بنابراین، علاوه بر حکم قرآن و سنت به وجوب پرداخت زکات و خمس، مستقلاً حکم به پرداخت مالیات می کند تا نظام حکومت بتواند به مشکلات اجتماعی رسیدگی کند.

* * *

فواید پرداخت زکات

زکات - که پرداخت مقداری از مال است - دارای دو فایده است:

۱ - فواید مادّی

۲ - فواید معنوی

فواید زکات در بُعد مادّی بیشتر جنبه اجتماعی دارد؛ به طوری که مستمندان جامعه، برهنه و گرسنه نمانده، بیماران تنگ دست و بی پناه مداوا می شوند، جوانان بی بضاعت از امکانات ازدواج برخوردار شده، وضع بدهکاران و ورشکستگان اقتصادی سامان می پذیرد و به طور کلی، در اموری که نفع عمومی در آن است (مانند: راه سازی، پل سازی، بیمارستان، مدرسه و...) مورد استفاده قرار می گیرد.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «...اگر مردم، زکات اموالشان را می پرداختند؛ مسلمان فقیر و محتاجی باقی نمی ماند و به وسیله آن

دوره هفتم، شماره دهم / ۲۱

مقداری که خدا از زکات واجب کرده است؛ بی‌نیاز می‌شدند و مردم به فقر، احتیاج، گرسنگی و برهنگی دچار نمی‌گردند، جز به وسیله گناهایی که ثروتمندان مرتکب می‌شوند (و زکات مالشان را نمی‌پردازند)...»^۱

نفع مادی زکات برای شخص پرداخت‌کننده این است که پرداخت زکات سبب امنیت او شده و از هجوم مستمندان در امان می‌ماند.^۲

آن چه برای پرداخت‌کننده مهم است؛ فواید معنوی زکات است که اینک به شرح آن می‌پردازیم.

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴، روایت ۶.

۲. امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمود: «حَصَّنَا

أموالکم بالزَّكوةِ». (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۶، روایت ۱۱).

فواید معنوی زکات

زکات یکی از فرایض و عبادات مهمّ دین است و به همین جهت است که مکلف باید هنگام پرداخت آن، قصد قربت کند؛ و خود این مطلب پدیدآورنده حالت معنوی در انسان است.

زکات سبب تزکیه نفس است و تزکیه نفس مقدمه رشد انسانی و رسیدن به مقامات معنوی می‌باشد.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«انَّ الزُّكُوةَ جَعَلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قَرْبَانًا لِأَهْلِ
الاسلام؛ فَمَنْ أَعْطَاهَا طَيَّبَ النَّفْسَ بِهَا فَأَنْهَا تُجْعَلُ لَهُ
كَقَرَارَةٍ؛ وَ مِنَ النَّارِ حِجَازًا وَ وَقَايَةً... فَانَّ مَنْ أَعْطَاهَا
غَيْرَ طَيِّبِ النَّفْسِ بِهَا يَرْجُوْهَا مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهَا فَهُوَ

دوره هفتم، شماره دهم / ۲۳

جَاهِلٌ بِالسُّنَّةِ مَغْبُونٌ الْأَجْرِ ضَالٌّ الْعَمَلِ، طَوِيلٌ
النَّدَمِ...»^۱؛

نماز و زکات برای مسلمانان، وسیله تقرّب به خدا می‌باشد. کسی که زکات را با پاکی نفس و با میل دل اعطا کند، موجب پوشش گناهان و مانع و حافظ از آتش (جهنّم) قرار داده شده... کسی که آن را از روی بی‌میلی نفس ببخشد، به آنچه که برتر از آن است، امید می‌دارد. پس به روش پیامبر (صلی الله علیه وآله) نادان، در اجر و مزد، زیان‌کار، در عمل، گمراه و پشیمانی او دراز است...».

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، صفحه ۶ و ۷، حدیث ۱۵، کتاب الزکوة.

از جمله غرایز در انسان این است که شدیداً دوستدار مال و ثروت است؛ «و اِنَّهٗ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»^۱؛ و چه بسا این غریزه، صفت بخل را تقویت کرده و ثروت اندوزی را در زندگی برای انسان، محور و اصل قرار دهد. پرداخت زکات و گذشتن از مقداری مال - که خدا معین فرموده است - به ضعف کشاندن این غریزه و صفت است. چنان که خدای تعالی می فرماید: «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تَزَكِّيَهُمْ بِهَا...»^۲؛ از آنان زکات بگیر تا ایشان را (از گناهان یا حبّ مال - که مودّی به طغیان و عصیان

۱. سوره مبارکه عادیات، آیه ۸.

۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۰۳.

دوره هفتم، شماره دهم / ۲۵

است - و یا از پلیدی بخل و زیاده روی) پاک نموده،
(به حسنات و اموال آنان) نشو و نما دهی».

در روایات آمده است: «و انَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى
اللَّهِ تَعَالَى أَسْخَاهُمْ كَفًّا وَ أَسْخَى النَّاسِ مِنْ أَدَى
زَكَاةِ مَالِهِ وَ لَمْ يَبْخُلْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ
لَهُمْ فِي مَالِهِ»^۱.

«هر آینه محبوب‌ترین مردم در نزد خدا آن‌کسی
است که دستش باسخاوت تر باشد و باسخاوت‌ترین
مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد و به آنچه
خداوند برای مؤمنین در مال او واجب کرده است
(پرداخت زکات) بخل نرزد».

پرداخت زکات، غضب خداوند را فرومی‌نشانند.
 از جمله سفارشات امام علی (علیه السلام) است: «اللَّهُ،
 اللَّهُ فِي الزُّكُوةِ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ»^۱.

«خدا را، خدا را، درباره زکات که همانا -
 پرداخت - زکات، غضب پروردگارتان را - که بر اثر
 گناه و طغیان برافروخته می‌شود - خاموش می‌کند».
 از جمله فواید زکات، این است که فقرای
 مؤمن، در دین خود، یاری می‌شوند. فقر اجتماعی،
 باعث ضعف دین و سستی ایمان می‌شود، لذا از بین
 بردن فقیر، برداشتن مانع از سر راه تقویّت دین است.
 امام رضا (علیه السلام) در حدیثی راجع به فایده
 زکات فرمود: «و تقویةِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَعونةِ لَهُمْ عَلَى امرٍ

دوره هفتم، شماره دهم / ۲۷

الدَّيْنِ»^۱. (از جمله علل وجوب زکات) نیرو دادن به محتاجان و کمک به آنان در امر دین است.

خداوند متعال، بندگانش را از طرق مختلف مورد آزمایش قرار می‌دهد. از جمله، آزمایش اغنیا، بعضاً از طریق پرداخت زکات است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَاراً لِلْأَغْنِيَاءِ»^۲ «همانا زکات برای آزمایش ثروتمندان قرار داده شده است و...»

پرداخت زکات موجب قسط و اجرای عدالت است. «...الْحَثُّ لَهُمْ عَلَى الْمَوَاسَاةِ»^۳.

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵، ح ۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴، روایت ۶.

۳. وسائل الشیعه، جلد ۶، ص ۵، روایت ۷.

(زکات) موجب تحریک و تشویق آنان بر مواسات است. امام رضا (علیه السلام) در رابطه با علّت تشریح زکات می فرماید:

«...أَنَّ عَلَّةَ الزُّكُوةِ مِنْ أَجْلِ قَوْتِ الْفُقَرَاءِ وَ
تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ
الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى، كَمَا قَالَ
اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ»
فِي أَمْوَالِكُمْ اخْرَاجِ الزُّكُوةِ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ تَوَطِّئِ
الْأَنْفُسَ عَلَى الصَّبْرِ...»؛ «...همانا علّت (تشریح) زکات
به جهت (تأمین) قوّت فقرا و مصون ماندن اموال
اغنيا و بی نیازان است. خداوند متعال، افراد سالم را

دوره هفتم، شماره دهم / ۲۹

مکلف فرموده است که در همه حال به وضع و حال و احتیاج مریضان و ناتوانان و مبتلایان قیام و رسیدگی کنند. چنان که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «لتبلون فی أموالکم و أنفسکم...»^۱ حتماً آزموده می شوید در (باب) مالها و جانهایتان. (سپس فرمود:) امتحان در مال، به پرداخت زکات آن است و امتحان در جان به وادار کردن آن بر صبر و پایمردی...»

منابع زکات

مواردی که وجوب زکات به آنها تعلق می گیرد؛ عبارت اند از:

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۸۶.

۳۰ / خمس

غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما، کشمش)؛ چهار
پایان سه‌گانه (گوسفند و بز، گاو، شتر) و نقدین
(طلا، نقره)

در موارد فوق، هنگامی زکات واجب می‌شود
که هر کدام به حدّ معینی (حدّ نصاب) برسد.

میزان و نصاب معین در زکات

حدّ نصاب گندم، جو، خرما و کشمش ۸۴۷/۲۰۷
کیلوگرم است؛ یعنی، هر یک از این غلات، اگر
خشک آن، دارای این مقدار وزن باشد، پرداخت
زکات آن‌ها واجب می‌باشد.

اگر گندم، جو، خرما، انگور از آب باران یا نهر،
مشروب شود - یا مثل بعضی مناطق از رطوبت زمین

دوره هفتم، شماره دهم / ۳۱

استفاده کند - زکات آن، یک دهم است. اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود زکات آن، یک بیستم می باشد.
برای شناخت جزئیات مسائل، به رساله عملیه رجوع شود.

زکات گوسفند و بز

گوسفند دارای پنج نصاب است:

۱ - چهل گوسفند، که زکات آن، یک گوسفند است.

۲ - صد و بیست و یک گوسفند که زکات آن، دو گوسفند است.

۳ - دویست و یک گوسفند که زکات آن، سه گوسفند است.

۴ - سیصد و یک گوسفند که زکات آن، چهل گوسفند است.

۵ - چهارصد و بالاتر که هر صد تا گوسفند، یک گوسفند است تا به هر مقداری که برسد.

زکات گاو

گاو دو نصاب دارد:

۱ - مقدار زکاتی که باید برای سی رأس گاو ادا نمود، گوساله‌ای است که داخل سال دوّم شده باشد.

۲ - زکات چهل رأس گاو، گوساله ماده‌ای است که داخل سال سوّم شده باشد.

زکات شصت گاو، دو گوساله‌ای است که داخل سال دوّم شده باشد. همچنین، هر چه بر تعداد

دوره هفتم، شماره دهم / ۳۳

گاوها افزوده شود؛ باید سی تاسی تا، یا
چهل تاچهل تا، یا باسی و چهل حساب نمایند و
زکات آن را - طبق آن چه گفته شد - پرداخت کنند،
ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند یا
اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد.

زکات شتر

در شتر دوازده نصاب است:

نصاب اوّل پنج شتر و زکات آن، یک گوسفند
است.

نصاب دوّم، ده شتر و در آن، دو گوسفند است.
به همین ترتیب تا بیست و پنج شتر (نصاب پنجم) که
زکات آن پنج گوسفند است.

نصاب ششم، بیست و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوّم شده باشد.

نصاب هفتم، سی و شش شتر، که زکات آن یک شتر است که داخل سال سوّم شده باشد.

نصاب هشتم، چهل و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد...

برای اطلاع از بقیه نصاب شتر و احکام و جزئیات آن، به رساله عملیه رجوع شود.

زکات طلا

طلا دارای دو نصاب است:

۱ - بیست مثقال شرعی؛ وقتی طلا به این مقدار رسید باید یک چهلیم آن به عنوان زکات داده شود. (هر مثقال شرعی: مساوی ۱۸ نخود است و

دوره هفتم، شماره دهم / ۳۵

بدین جهت نصاب اوّل طلا، پانزده مثقال معمولی خواهد بود که مقدار زکات (۴۰۱ نصاب) نُه نخود می شود).

۲ - چهار مثقال شرعی، که سه مثقال معمولی می شود. یعنی اگر ۳ مثقال معمولی به پانزده مثقال معمولی اضافه شد، باید زکات تمام، ۱۸ مثقال از قرار یک چهلم داده شود. همچنین است هر چه بالا رود، یعنی، اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکات ندارد.

زکات نقره

نقره دو نصاب دارد:

۱ - ۱۰۵ مثقال معمولی که زکات آن یک چهارم (دو مثقال و پانزده نخود) است.

۲ - بیست و یک مثقال، اگر بیست و یک مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود باید زکات تمام ۱۲۶ - به طوری که گفته شد - ادا شود، یعنی، باید یک چهارم کل نقره، به عنوان زکات داده شود؛ و همچنین است هر چه بالا رود؛ یعنی، اگر ۲۱ مثقال اضافه شود باید زکات تمام آن‌ها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده کمتر از ۲۱ مثقال است - زکات ندارد.

بنابراین؛ اگر انسان یک چهارم هر چه طلا و نقره دارد بدهد؛ زکاتی را که بر او واجب بوده، داده و حتی بیشتر از مقدار واجب هم داده است.

دوره هفتم، شماره دهم / ۳۷

در مورد شرایط و جزئیات مسائل فوق، به رساله عملیه مراجعه شود.

موارد مصرف زکات

قرآن کریم، موارد مصرف زکات را اینچنین بیان می‌کند:

«أَتْمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ
عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ!»

«صدقات (زکات) برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع‌آوری آن؛ و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند؛ و آن فریضه‌ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است».

با توجه به آیه شریفه - که هشت مورد کلی مصرف زکات را معین نموده - و با توجه به روایاتی که قبلاً تحت عنوان «فلسفه جعل و تشریح زکات» از نظرتان گذشت؛ می‌توان موارد مصرف زکات را چنین تقسیم‌بندی نمود:

۱ - تأمین نیازمندی فقرا و مساکین از جهت غذا، لباس، مسکن و پرداخت دین و غرامت آن‌ها

دوره هفتم، شماره دهم / ۳۹

۲ - تأمین مخارج کارپردازان زکات.

۳ - کمک مادی به غیر مسلمین تا متمایل به

اسلام و ایمان شوند.

۴ - تأمین مخارج نظامیان و مجاهدان (اعم از

مخارج شخصی یا سلاح، که مصداق فی سبیل الله است).

۵ - در راه خدا، که هر نوع فعالیت اقتصادی،

عمرانی و تجاری به نفع دین مقدس اسلام را شامل می شود؛ مانند: تبلیغات دینی، ساختن مساجد، معابر، پل، سدّ و...

۶ - افراد غریبی که مخارج سفرشان تمام شده

- و سفرشان در اطاعت خدا بوده - و نمی توانند به شهرشان بازگردند.

٧ - تأمین و پرداخت غرامت بدهکاران.

٨ - فرستادن افرادی به سفر حج.

٩ - کمک به ایتام و اطفال پدر از دست داده^۱.

پیامد نپرداختن زکات

ندادن زکات، عواقب و پیآمدهایی دارد که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

١ - پرداخت زکات نشانه دین است و کسی

که زکات را نپردازد، این نشان را ندارد.

٢ - کسی که زکات ندهد و وجوب آن را

انکار نماید؛ در حکم کافر است و اگر نمی‌دهد و

١. وسائل الشیعه، ج ٦، روایات باب ٦ و ١، ابواب المستحقین

دوره هفتم، شماره دهم / ۴۱

انکار هم نمی‌کند، نازل منزله کافر است و در وقت
مردن کافر از دنیا می‌رود.

ابی بصیر در ذیل روایتی از امام صادق
(علیه‌السلام) نقل می‌کند که فرمود: «انَّمَا حَقَّنَ اللَّهُ بِهَا
دَمَهُ وَ يُسَمِّي بِهَا مُسْلِمًا»^۱.

خداوند متعال به واسطه پرداخت زکات، خون
(مسلمان) را محترم شمرد و به همین جهت مسلمان
نامیده می‌شود.

۳ - ریختن خون منکر زکات برای امام
مسلمین مباح است و احترامی ندارد. این معنی در
چندین روایت آمده است.

۱. وسائل الشیعه، جلد ۶، باب ۴، ابواب ما تجب فیه الزکاة.

۴ - افرادی که زکات نمی‌دهند؛ مسلمان از دنیا نمی‌روند.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

«مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ أَنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا».

«کسی که یک قیراط^۲ از زکات مال خود را ندهد، هرگونه که می‌خواهد بمیرد؛ یهودی یا نصرانی!»

در روایت دیگری از آن حضرت آمده که: عدم پرداخت زکات موجب سلب اسلام و ایمان است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، باب ۴، أبواب ما تجب فیہ الزکاة.

۲. قیراط، وسیله سنجش مقدار اندک را گویند و در تعیین مقدار آن اختلاف است.

دوره هفتم، شماره دهم / ۴۳

«مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِّنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ

لَا مُسْلِمًا...»^۱

۵ - نتیجه طبیعی عدم پرداخت زکات، دامن گیر مانع الزکات شده و در همین دنیا مجازات می شود. نیز ندادن زکات، موجب اشتغال بسیاری از افراد به سرقت و ارتشاء و امور دیگر می شود که عواقب وخیم آن نصیب همگان می گردد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَاضِعًا مَالٌ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ إِلَّا بَمَنَعِ الزَّكَاةِ...»^۲

«هیچ مالی در خشکی و دریا تلف نمی شود

مگر به سبب منع زکات آن.»

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۵، ح ۲۱.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: در کتاب علی (علیه السلام) دیدیم که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) فرموده است:

«إِذَا مُنِعَتِ الزُّكُوةُ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بُرْكَاتَهَا»

«اگر از پرداخت زکات امتناع شود زمین از دادن برکات خود امتناع می‌ورزد».

زکات‌های مستحب

علاوه بر زکات‌های لازم و واجب، در مواردی، حکم به پرداخت زکات استحبابی شده است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱ - مال التَّجَارَةِ:

دوره هفتم، شماره دهم / ۴۵

«مالی است که شخص، آن را تملک می‌کند و
غرضش این است که به وسیله آن تجارت و کسب
کند؛ و چون مال التجاره از موضوعات عرفیه است،
صدق در مال التجارة، عرف مردم است».

استحباب زکات در مال التجارة دارای شرایطی

است:

۱ - قیمت مال التجارة به حد نصاب طلا و یا

نقره برسد.

۲ - از هنگام قصد تجارت یک سال بر آن

بگذرد.

۳ - قصد تجارت یک سال باقی باشد.

۴ - رأس المال (اصل سرمایه) به مالکیت خود

در طول سال باقی باشد.

۵ - تجارت با تمام سرمایه یا به مقدار زیاد آن در طول سال انجام گیرد. پس اگر در بین سال، تجارت با کمتر از آن چه در شرط اوّل بیان شد؛ انجام گیرد، زکات به آن تعلق نمی‌گیرد. مقدار زکات در مال التجارة یک چهلم است، چنان‌که در نقدین گذشت.

۲ - هر چیزی که از زمین بروید و قابل کیل یا وزن باشد.

حکم زکات در این‌ها، حکم زکات در غلات چهارگانه است - که زکات آن‌ها واجب بود - و آن چه از این قسم استثنا شده، تره بار، میوه، بادمجان، خیار، خربزه و هر چیزی است که از زمین می‌روید و زود فاسد می‌شود.

دوره هفتم، شماره دهم / ۴۷

۳ - اسب های ماده به شرط این که سائمه (همیشه در بیابان می چرد) (اهلی) باشند و یک سال بر آنها بگذرد. پس در اسب «عتیق»^۱، هر سال دو دینار^۲ و در اسب برزون^۳ هر سال یک دینار^۴.

۴ - سود حاصل از مستغلات؛ باغستان ها، دک آنها، مسکن ها، حمام ها، کاروانسراها و امثال این ها.
۵ - زیورآلات؛ و زکاتش این است که به مؤمن عاریه داده شود.

۱. «عتاق» اسبی است که از دو اسب عربی تولّد یافته باشد. (نجیب).

۲. یک مثقال و نصف صیرفی، هر مثقال صیرفی، ۲۴ نخود است.

۳. اسب بارکش، که به آن یابو می گویند.

۴. ۴۳ مثقال صیرفی (که هر مثقال صیرفی ۲۴ نخود است).

۶ - مالی که ناپدیدشده یا دفن شده و تمکن از تصرف در او نداریم؛ وقتی دو سال یا سال‌هایی بر آن بگذرد، مستحب است که بعد از تمکن، زکات یک سال آن داده شود.

۷ - اگر در بین سال، به قصد فرار از زکات، تصرف در مالی کند - که اگر سال بر آن می‌گذشت به جهت رسیدن به حد نصاب باید زکات می‌داد - و آن را معاوضه نماید. بعد از گذشت سال، مستحب است زکات آن را پرداخت نماید.^۱

۱. نقل از کتاب «مذهب الاحکام»، ج ۱۱.

زکات فطره

در اسلام، علاوه بر زکات اموال، زکات واجب دیگری وضع شده که به عنوان زکات فطره شناخته می‌شود. (اگر فطرت را به معنای «خلقت» بگیریم، زکات فطره، زکات بدن خواهد بود. اگر فطرت به معنای «دین» باشد؛ زکات فطره یعنی زکات اسلام و دین. اگر به معنای «افطار» باشد؛ زکات فطره یعنی زکاتی که در روز عید فطر واجب است).

درباره این زکات، در حدیث وارده شده که: «همانا، هر کس آن را ندهد، ترس از فوت او هست».

نیز در روایت است که: «همانا زکات فطره جزء تکمیل روزه است چنانکه صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) جزء تکمیل نماز است»^۱.

این زکات، بر عهده افراد می‌باشد و هر فرد توانمندی باید از جانب خود و تمام افراد تحت تکفلش، آن را بپردازد.

مقدار آن به اندازه یک صاع (تقریباً سه کیلو) از مواد غذایی متعارف محیط، مانند گندم - یا قیمت آن هست که هر سال با پایان یافتن ماه رمضان و داخل شدن ماه شوال واجب می‌شود؛ با این تفاوت که در زکات اموال، در مقدار زکاتی که به فقیر داده می‌شود، حداقلی تعیین نشده است؛ اما در مورد زکات فطره،

۱. تحریر الوسیلة، ج ۱، کتاب «زکات».

دوره هفتم، شماره دهم / ۵۱

به فتوا یا به احتیاط واجب، نباید به هر فقیر، کمتر از یک صاع یا قیمت آن داده شود^۱.

اما این زکات فطره به چه کسانی و با چه شرایطی واجب می‌شود و به چه کسانی مستحب؛ و به چه کسانی می‌شود، پرداخت و به چه کسانی نمی‌شود؛ و این که در چه وقت آن را باید جدا کرد و در چه وقت و با چه کیفیت باید رسانید، تفصیل و توضیح جزئیات این مطلب در رساله عملیه مذکور است.

دخالت حاکم اسلامی برای جبران کمبودها

اجتماع، گاهی آن‌چنان دردمند می‌شود و مشکلات اقتصادی به گونه‌ای چهره‌اش را نشان می‌دهد که جز

۱. زکات و خمس در اسلام، ص ۱۴۲ - ۱۴۱.

با کاهش ثروت، ثروتمندان و به کار انداختن چرخ‌های تولیدی و به کار گرفتن نیروهای معطل جامعه نمی‌توان به وضع نابه سامان سروسامانی داد. در چنین مواردی پرداخت مقدار معینی زکات، قادر با پاسخ‌گویی فقر و نیاز اجتماعی نیست.

زکات در محیطی آرام و زمانی که زندگی افراد اجتماع در مسیر عادی قرار دارد، برای رفع فقر و برخی از امور عمومی کفایت می‌کند؛ اما همیشه این‌گونه نیست، گاهی وضع به صورت غیر عادی درمی‌آید - البته غیر عادی بودن دارای شدت و ضعف است - در این موقعیت است که حاکم اسلامی با در نظر گرفتن ضرورت‌ها و حفظ نظام اسلامی، می‌تواند اضافه بر زکات و خمس، مقادیر دیگری را از

دوره هفتم، شماره دهم / ۵۳

ثروتمندان و متمکین جامعه دریافت دارد، زیرا حفظ نظام اسلامی از اهمّ امور است. البته آن گاه که افراد جامعه، خود پیش قدم شوند و علاوه بر زکات و حقوق واجبه، با پرداخت مقداری دیگر از ثروت خود نیاز اجتماعی را مرتفع سازند، احتیاج به دخالت حاکم شرع نخواهد بود. چنان که خداوند بزرگ در وصف سیره متّقین اموری را بیان می کند که آنان در دنیا، خود را به آن ملتزم می دانستند. از قبیل: کم خوابیدن در شب، به نماز و استغفار پرداختن، منظور داشتن حقّی برای سائلین و محرومین در اموال خود، اضافه بر حقوق واجبه.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ اخذين ما اتهم
رُبُّهُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ؛ كانوا قليلاً مِنْ

اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَ فِي
أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»^۱.

پرهیزکاران در باغ‌های بهشت و در میان
چشمه‌ها قرار دارند؛ و آنچه پروردگارشان به آن‌ها
مرحمت کرده دریافت می‌دارند، زیرا آن‌ها پیش از آن
(در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند. آن‌ها کمی از
شب‌ها را می‌خوابیدند و در سحرگاهان استغفار
می‌کردند و در اموال آن‌ها حقی برای سائل و محروم
بود.

«فاضل مقداد» در «کنزالعرفان» تصریح می‌کند
که منظور از «حق معلوم» حقی است که خود آن‌ها

دوره هفتم، شماره دهم / ۵۵

در اموالشان قرار می‌دهند و خویشان را موظف به آن می‌دانند!

بنابراین، اگر مردم باایمان در ثروت خود برای محرومین، حقّی را منظور کنند، می‌توانند تا حدود زیادی از مشکلات اقتصادی را حل کنند، به طوری که کمتر نیاز به دخالت حاکم اسلامی باشد.

پایان